

بایسته‌های حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران

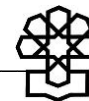
معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی
دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ

کد موضوعی: ۲۷۰
شماره مسلسل: ۱۶۷۵۲
آذرماه ۱۳۹۸

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۴.....	فصل اول - مبانی نظری.....
۶.....	فصل دوم - کلیاتی پیرامون حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.....
۱۳.....	فصل سوم - پیش‌نیازهای اعمال حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.....
۲۲.....	فصل چهارم - تحلیل وضعیت حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران.....
۳۳.....	منابع و مآخذ.....



بایسته‌های حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران

چکیده

حکمرانی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از یک‌سو با مشارکت دولت و از سوی دیگر بخش خصوصی شکل می‌گیرد؛ لذا از این منظر چهار شکل از حکمرانی را می‌توان مطرح کرد: مشارکت حداکثری دولت و بخش خصوصی، مشارکت حداقلی بخش خصوصی و حداکثری دولت، مشارکت حداقلی دولت و حداقلی بخش خصوصی، مشارکت حداکثری بخش خصوصی و شرکت‌ها و حداقلی دولت. از این منظر حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران مدل مشارکت حداکثری دولت و حداقلی بخش خصوصی است.

برخی از بایسته‌های حکمرانی از منظر منابع بین‌المللی فارغ از انواع آن عبارتند از: ارتقاء، هماهنگی، همکاری و مشارکت در کل دولت، مشارکت‌دهی ذی‌نفعان در سراسر چرخه سیاست‌گذاری، یکپارچگی در سیستم‌های اطلاعاتی و هم‌راستایی و هماهنگی در تنظیمات و موافقت‌نامه‌های مالی.

با بررسی تجارب برخی کشورها و منابع بین‌المللی در این زمینه می‌توان دریافت که در قانون «نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی» دست‌کم سه رکن برای حکمرانی وجود دارد. دولت در بخش فرماندهی یا کلان، ارائه‌دهندگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بخش میانی و بخش‌های حرفه‌ای غیردولتی به‌عنوان بهره‌برداران نیروی انسانی در بخش پایینی.

کاستی‌های وضع موجود حکمرانی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران را می‌توان در عوامل ذیل احصا کرد: بی‌توجهی به اصل تأکید بر تقاضا و پرهیز از تمرکزگرایی، عدم دخالت بخش خصوصی در تأمین منابع، بی‌توجهی به نقش بخش خصوصی و شرکای اجتماعی در اهداف قانون، فقدان نظام جامع اطلاعات بازار کار و درنهایت با بررسی‌های انجام شده می‌توان موارد زیر را به‌عنوان بایسته‌های حکمرانی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران پیشنهاد کرد:

ضرورت توصیف سیستم حکمرانی، ترسیم مدل حکمرانی از وضع موجود، مطلوب و روند اصلاح و توجه به اسناد بالادستی و فرهنگ اسلامی در ترسیم نقطه مطلوب، ایجاد یک سیستم تعیین موقعیت نظام حکمرانی در شورای عالی، تعیین نقش بخش خصوصی در مؤلفه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی و الزام دستگاه‌های ذی‌ربط به تهیه نظام جامع اطلاعات بازار کار.

مقدمه

آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در کشور ما به صورت رسمی با تأسیس هنرستان صنعتی تهران در سال ۱۳۰۵ آغاز شد و تاکنون فرازونشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. ایجاد هنرستان‌ها، انستیتوهای تکنولوژی، آموزش‌کننده‌های فنی‌وحرفه‌ای، ارائه آموزش‌های غیررسمی و تشکیل دو دانشگاه جامع علمی - کاربردی و فنی‌وحرفه‌ای برخی از این تغییرات هستند.

بخش خصوصی مهم‌ترین بهره‌بردار این نظام آموزشی است، لذا توجه به تقاضا در این حوزه یک اصل اساسی است، ازسوی دیگر آموزش در کشور ما امر حاکمیتی است که به استناد اصل سی‌ام قانون اساسی دولت عهده‌دار ارائه آن می‌باشد. جمع میان این دو مؤلفه زمینه‌ساز حرکت از حاکمیت به سمت حکمرانی است. ورود این تفکر به حوزه قانونگذاری در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای امری بسیار دقیق و پیچیده است. تاکنون ارائه‌کنندگان اصلی این آموزش‌ها به استناد قانون اهداف و وظایف آن دستگاه از جمله قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش و قانون اهداف و وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و یا اساسنامه سازمان‌های مجری، در حوزه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای سیاستگذار و مجری بوده‌اند.

نهادهای اصلی ارائه‌کننده آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای شامل وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای) و سایر دستگاه‌ها مانند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و.... هستند.

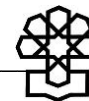
سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای ارائه‌کننده آموزش‌های غیررسمی و کوتاه‌مدت و در برخی موارد معدود بلندمدت، وزارت آموزش و پرورش ارائه‌کننده دوره آموزش‌های رسمی دوره متوسطه فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با دو دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای و دانشگاه جامع علمی - کاربردی ارائه‌کننده آموزش‌های رسمی تکنسینی یا کاردانی مهارتی هستند.

ایجاد حلقه ارتباط میان این نهادها ضرورت اجتناب‌ناپذیری است که تاکنون محقق نشده و خسارات آن سرمایه‌های ملی و انسانی را نشانه گرفته است.

هرچند که قوانین توسعه قبل و بعد از انقلاب به این آموزش‌ها توجه کرده‌اند، اما تاکنون موفق به ایجاد ارتباط و هماهنگی میان ارائه‌کنندگان به صورت کامل محقق نشده است و این احکام به‌درستی و به‌طور کامل اجرا نشده‌اند. برخی از وظایف قانونی دولت‌ها تا پیش از تصویب قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی عبارتند از:

- تشکیل شورای عالی کارآموزی (ماده (۵) قانون کارآموزی، مصوب ۱۳۴۹)

- تشکیل شورای عالی هماهنگی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای (مصوب ۱۳۵۹، شورای انقلاب)



- تشکیل شورای عالی آموزش‌های علمی - کاربردی (مصوب ۱۳۶۹، شورای عالی انقلاب فرهنگی)

- تشکیل ستاد هماهنگی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از ادغام سه شورای فوق‌الذکر (ماده (۱۵۱) قانون برنامه سوم توسعه)

- تشکیل نهاد سیاستگذار با انحلال ستاد هماهنگی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (ماده (۵۵) قانون برنامه چهارم توسعه)

- هماهنگی در سیاستگذاری و مدیریت در برنامه‌ریزی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کشور (ماده (۲۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه) تاکنون وظایف قانونی دولت‌ها بوده است، اما به نتیجه مطلوب منجر نشده است.

براساس بند «۲» سیاست‌های کلی اشتغال نظام آموزشی کشور شامل آموزش عمومی، آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای است. این تفکیک و ایجاد هویت مستقل برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور، به‌علاوه ضرورت سیاستگذاری واحد و تنظیم‌گری و همچنین معطل ماندن احکام برنامه‌های توسعه پنج‌ساله موجب تصویب قانون نظام جامع آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارتی در سال ۱۳۹۶ و تشکیل شورای عالی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی به‌عنوان مرجع اصلی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سال ۱۳۹۸ شد.

ازجمله اهداف این قانون ایجاد ارتباط میان ارائه‌کنندگان، هماهنگی در سیاستگذاری کلان، مدیریت در برنامه‌ریزی، تدوین و اجرای چارچوب صلاحیت حرفه‌ای ملی، تشکیل مراکز ملی سنجش و دخالت بخش خصوصی در این فرایندهاست هرچند که نقش بخش خصوصی به‌صورت کم‌رنگی در قانون متبلور شده است. در این قانون یکی از وظایف نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایجاد سازوکارهای لازم جهت مشارکت بهره‌برداران در کلیه مراحل و فرایند آموزشی و تربیتی بر شمرده شده است به‌علاوه به موضوع عدالت آموزشی با تأکید بر زمینه‌سازی فرصت‌های برابر برای کسب شایستگی‌های حرفه‌ای توجه شده است.

براساس ماده (۵) این قانون اولین رکن این نظام، شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی است و براساس بند «۴» همین ماده انجمن‌های علمی حرفه‌ای و اتحادیه‌ها و صنوف حرفه‌ای و شغلی و همچنین به استناد بند «د» جزء «۳» همین ماده بنگاه‌های اقتصادی و مؤسسات تولیدی و خدماتی نیز از ارکان این نظام هستند.

در هر حال حکمرانی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ادبیاتی نو است که متکی به تجربیات چندین ساله در حوزه اجرای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای صنعتی است که با پذیرش نقش مهم بخش خصوصی و ضرورت تجمیع آنها از یک‌سو و حاکمیت قانون از سوی دیگر ترسیم‌کننده قلمرو حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است.

با توجه به تشکیل شورای عالی فنی و حرفه‌ای و مهارتی و آغاز به کار کارگروه‌های ذیل آن و لازم‌الاجرا بودن مصوبات شورای عالی برای نهادهای ذی‌ربط، موضوع مهمی که می‌تواند مسیر روشن‌تری را پیش روی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای قرار دهد بایسته‌های این نظام حکمرانی است که این گزارش در صدد تبیین آن است.

در این گزارش ابتدا ادبیات نظری حکمرانی و سپس ساختار حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و در نهایت بایسته‌های حکمرانی ارائه خواهد شد.

فصل اول - مبانی نظری

الف) مفهوم حکمرانی^۱

برای حکمرانی معانی مختلفی ذکر شده است، اگرچه اکثر آنها در بعضی محورها مشترک هستند، اما در بعضی مؤلفه‌ها متفاوتند. برای مثال به چند نمونه از این تعاریف اشاره می‌شود:

- در عمومی‌ترین حالت، حکمرانی بر حرکت از رویکرد گذشته به نام «حکومت» (Government) (رویکرد قانونگذاری بالا به پایین که به دنبال تنظیم رفتار افراد و نهادها به شکل مشخص و کاملاً جزئی است) به سمت «حکمرانی» (Governance) (رویکردی که تلاش دارد تا پارامترهای سیستم را به گونه‌ای تنظیم کند که افراد و نهادها در درون آن عمل کرده و در نتیجه خودتنظیمی به وجود آمده و سیستم به نتایج مورد نظر دست پیدا کند) یا جایگزینی «اعمال قدرت بر» با «واگذاری قدرت به» تأکید دارد.^۲

گذار از حکومت به حکمرانی در برگیرنده دو فرایند اساسی است:

اول - تعداد در حال افزایشی از بازیگران خارج از مرزهای رسمی دولت، در فرایند اداره کردن ورود پیدا کرده و این فرایند بر شبکه‌هایی از بازیگران به هم مرتبط از بخش‌های عمومی، خصوصی و داوطلب - به جای سلسله‌مراتبی که توسط دولت تعریف می‌شود - متکی است.

دوم - سازمان درونی دولت پیچیده‌تر و چندسطحی شده و توسط نهادهای زیرملی و فراملی مورد نفوذ قرار گرفته است.^۳

- در مفهوم سلبی، حکمرانی هرگز دستورات مستقیم را نمی‌پذیرد و در مفهوم ایجابی، هدف یا اهداف و راه‌های رسیدن به آن اهداف را دنبال می‌کند و پس از آن مدیریت آن مسیرها را پیگیری می‌کند.

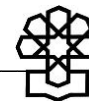
- حکمرانی به معنای فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات است که براساس آن مفهوم حکمرانی در حوزه‌های مختلفی مانند حکمرانی شرکتی، بین‌المللی، ملی و محلی کاربرد دارد.^۴

1. Governance

۲. مروری بر مفهوم حکمرانی شبکه‌ای، ابراهیم غلامپور آهنگر، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۹۳، ص ۳.

۳. همان، ص ۴.

۴. حکمرانی خوب در ادبیات مدیریت، طرح پژوهشی حکمرانی خوب ۳، حجة‌اله قلی‌پور مرکز پژوهش‌های مجلس، ۶۸۱۶، ص ۳.



- برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ در تعریف حکمرانی آورده است که «حکمرانی فرایندی است که قوانین، مقررات، سیاستها و اقدامات گسترده‌ای که منابع آن باید مدیریت شود به‌همراه نهادها و گروه‌هایی که فراتر از نفوذ دولت هستند مانند جامعه مدنی، بازیگران بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی را در بر می‌گیرد»^۲.

ب) مفهوم حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

حکمرانی مرتبط با فرایندها، خط‌مشی‌ها (سیاست‌ها) و تنظیم قوانین و نهادهاست که کنشگران نظام آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای را به یکدیگر متصل می‌نماید. حکمرانی مسئولیت حکمرانان ملی و منطقه‌ای را در موضوعاتی از قبیل منابع مالی، مدیریت، تضمین کیفیت و مقررات تعیین می‌نماید. قوانین حکمرانی تعیین می‌کند چه کسی، چه چیزی را تصمیم بگیرد. حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از تأمین منابع ملی، وزارتخانه‌های ذی‌ربط، تنظیم‌گری و حتی سطح کلاس‌های درس، کارگاه و جوامع مرتبط را (مانند اتاق‌های بازرگانی و...) در بر می‌گیرد.

در هر حال می‌توان گفت واژه حکمرانی در مدیریت دیرزمانی نیست که وارد ادبیات نوشتاری، گفتاری و عملیاتی شده است. شاید ضرورت کاستن از نقش دولت‌ها و مشارکت هرچه بیشتر حوزه‌های حرفه‌ای، بخش خصوصی و شرکای اجتماعی باعث این تغییر شده است (تغییر رویکرد از حکومت به حاکمیت). شاید در نگاه اول تصویر این شیوه از مدیریت با ابهام و عدم وضوح همراه باشد که امری طبیعی است که علت آن وجود دولت بزرگ و عادت به تمرکز و کم‌رنگ بودن نقش شرکای اجتماعی است، اما به مرور زمان و با ایفای نقش توسط بخش‌های مختلف مانند اتاق‌ها، اصناف، کارفرمایان، تأمین‌کنندگان منابع مالی، مدیران بخش‌های دولتی و صاحبان صنایع تصویر آن شفاف‌تر و ملموس‌تر خواهد شد.

ج) آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی

آموزش فنی و حرفه‌ای واژه‌ای جامع است و به جنبه‌هایی از فرایند آموزشی و تربیتی اطلاق می‌شود که مطالعه فناوری‌ها و علوم وابسته، کسب نگرش‌ها، مهارت‌های عملی، فهم و دانش مرتبط با حرف و مشاغل بخش‌های گوناگون اقتصادی و زندگی اجتماعی، به‌همراه آموزش عمومی را در بر می‌گیرد (قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی، ماده (۲) بند «۱»).

1. United Nations Development Programme (UNDP)

2. Aliakbar Abbassiostami – Ramin Agriculture and Natural Resources University

د) شاخص‌های حکمرانی (مفهوم عام حکمرانی)

حکمرانی دارای مشخصاتی مشاهده‌پذیر و قابل اندازه‌گیری است که برای ارزیابی و تعیین جایگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شاخص‌ها می‌تواند مبنای اصلاح، تغییر، سازگاری، انعطاف‌پذیری و سازمان‌دهی مجدد قرار گیرد. شاخصه‌های حکمرانی عام از منظر بین‌المللی شامل موارد ذیل است که در بستر زمان و با تکامل روند حکمرانی در حال تغییر و تکامل است. البته هرکدام از این شاخص‌ها در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز می‌تواند مصداق داشته باشد.

- پاسخگویی

- شفافیت

- پیروی از قانون (حاکمیت قانون)

- مشارکت حداکثری

- مسئولیت‌پذیری

- تصمیم‌گیری جمعی (مشارکت گسترده)

- اثربخشی

- انصاف و عدالت^۱

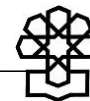
شایان ذکر است که کلیه این شاخص‌ها در حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مطرح بوده و نقش مؤثر دارد. پاسخگویی به نیازهای جامعه (بازار کار و نیروی کار)، شفافیت در اطلاعات و آمار بازار کار و آینده آن، لزوم تبعیت از قوانین برای ارائه مدیریت سیستمی و جامع، لزوم مشارکت حداکثری ذی‌نفعان کلیدی و شرکای اجتماعی، مسئولیت‌پذیری بخش خصوصی و دولتی در قبال تربیت نیروی کار توانمند و کارآ، ضرورت تصمیم‌گیری‌های جمعی (بخش دولتی و خصوصی با دریافت نظرات کنشگران این حوزه)، اطمینان از اثربخشی آموزش و درنهایت ضرورت رعایت عدالت در ارائه آموزش نشانگر اهمیت این شاخص‌ها در این حوزه است.

فصل دوم - کلیاتی پیرامون حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

الف) مأموریت‌های آموزش فنی و حرفه‌ای

همان‌گونه که هرکدام از نظام‌های آموزشی وظایف و مأموریت‌های تعریف‌شده‌ای دارند که باید برنامه‌ها، فعالیت‌ها و اعتبارات خود را براساس آن تنظیم نمایند نظام آموزش فنی و حرفه‌ای نیز

۱. حکمرانی خوب در ادبیات مدیریت طرح پژوهشی حکمرانی خوب ۳. حجة‌اله قلی‌پور، مرکز پژوهش‌ها، ۶۸۱۶، ص ۵ و ۶.



مأموریت‌هایی دارد که برخی از آنها با دو نظام دیگر (آموزش عمومی و آموزش عالی) مشترک و برخی اختصاصی است.

مأموریت‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

اول - نظام آموزشی باید مهارت‌های پایه و تخصصی را برای متقاضیان فراهم آورد و آنان را برای یافتن شغل و یا راه‌اندازی کسب و کار مولد توانا سازد.

دوم - مهارت‌آموزی باید به‌عنوان ابزاری برای تغییرات ساختاری در نظر گرفته شود، زیرا نظام‌های فنی و حرفه‌ای به شکل فزاینده در بازآموزی مداوم و برنامه ارتقای مهارت شاغلان مؤثر بوده و باید از هزینه‌های اجتماعی تغییر بکاهند.

سوم - آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید در فرصت‌های کسب درآمد برای مردم از طریق کسب مهارت‌ها، برابری و رفاه اجتماعی نقش ایفا کند و در تعدیل نابرابری دستمزدها عامل مهمی به‌شمار آید.

چهارم - آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به هدف‌های اجتماعی و اقتصادی مانند تقویت توسعه منطقه‌ای و حمایت از صنایع دارای اولویت، گسترش صادرات، جذب سرمایه‌های خارجی و افزایش دستمزدها مورد توجه قرار گیرند.

پنجم - آموزش و حرفه‌آموزی افزون بر منافع اقتصادی، می‌بایست فواید اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز داشته باشد. مواردی مانند کاهش جرم، بهبود سطح بهداشت، همبستگی بیشتر اجتماع، مصادیقی از این نقش هستند. همان‌گونه که جوانان نیازمند آموزش و پرورش عمومی هستند به دانش و مهارت‌های حرفه‌ای نیز نیاز دارند.

ششم - حرفه‌آموزی باید بتواند از فوایدی برخوردار باشد که مستقیماً با اشتغال مرتبط نیست، بلکه افراد را برای انجام کارهایی مانند مراقبت‌های پزشکی، تعمیر و نگهداری خودرو شخصی و مسکن، انجام خدمتی به خانواده و همسایگان توانمند سازد و موجب کاستن هزینه‌های مربوط به این امور شود.^۱

بنابراین مهارت‌آموزی علاوه بر توانمندسازی فرد در دستیابی به شغل می‌تواند نقش مؤثری در کاهش فقر و ارتقای کیفیت زندگی، توسعه منطقه‌ای یا جهانی، خدمت به خانواده و اطرافیان، انجام بسیاری از نیازهای شخصی، کاهش جرم، توسعه امنیت و... داشته باشد.

ب) اهداف نظام حکمرانی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

در این بخش اهداف نظام حکمرانی از منظر بنیاد حرفه‌آموزی اروپا (ETF) بیان می‌شود.

۱. افزایش اثربخشی و بهبود مستمر سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آموزشی

۲. ایجاد ارتباطات عمودی و افقی بین دستگاه‌ها و ذی‌نفعان کلیدی و شرکای اجتماعی

۱. مدیریت نظام‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای - راهنمای مسئولان و مدیران ارشد، ولادیمیر گاسکف، مترجم عبدالحسین نفیسی، صفحات ۲۵ الی ۲۷ با دخل و تصرف.

۳. تمرکز بر انجام کارهای مشترک برای ایجاد هم‌افزایی بین دستگاه‌های درگیر آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای
 ۴. ایجاد و راه‌اندازی مکانیسم‌های مؤثر هماهنگی بین دستگاه‌های مسئول در سطح شهرها، استان‌ها و بین مراکز کشور (مرکز حکمرانی) و استفاده بهینه از خروجی‌های این ارتباطات عمودی و افقی بین دستگاه‌ها برای قانونگذار جهت بهبود و تقویت قوانین
 ۵. مشخص کردن نقش شرکای اجتماعی و اعمال نقش این نهادهای اجتماعی در طول و عرض نظام حکمرانی
 ۶. ظرفیت‌سازی (توانمندسازی) مستمر دستگاه‌های مسئول آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و بالا بردن توان کارشناسی و اجرایی نهادهای مسئول
 ۷. ایجاد و به‌کارگیری نظام پایش و ارزیابی کل سیستم حکمرانی توسط یک نهاد^۱
 ۸. کاهش تدریجی نقش دولت در تأمین منابع و مدیریت
- تغییر رویکرد دولت‌ها از حاکمیت به سمت حکمرانی در این حوزه نشان می‌دهد موضوع هم‌افزایی میان دستگاه‌های مجری از یک‌سو و ارتباط با شرکای اجتماعی از سوی دیگر نقش پررنگ‌تری باید پیدا کند. مضافاً آنکه دولت‌ها باید به‌صورت تدریجی از نقش خود در تأمین منابع مالی با تغییر رویکرد و دخالت دادن بخش خصوصی بکاهند. نکته مهم دیگر ایجاد نهاد برای ارزیابی و پایش این سیستم است تا از وقوع انحرافات احتمالی در مسیر حکمرانی پیشگیری شود.

ج) اصول ناظر بر حکمرانی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای

- چگونگی حکمرانی در حوزه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای با توجه به مأموریت‌ها و اهداف ایجاد می‌کند اصولی ناظر بر اجرای این حکمرانی باشد. برخی از این اصول با توجه به مفهوم حکمرانی و تعریف آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و اهداف و مأموریت‌ها می‌تواند موارد زیر باشد:
۱. تمرکز بر اهداف و موضوعات آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای
 ۲. تفکیک حکمرانی از مدیریت
 ۳. همگرایی سازنده در رهبری و مدیریت
 ۴. درگیر کردن افراد کلیدی در سیستم آموزش فنی‌وحرفه‌ای
 ۵. سرمایه‌گذاری در ساختن روابط مؤثر بر پایه اطمینان و احترام
 ۶. شفاف بودن درباره مسئولیت‌پذیری
 ۷. تضمین کیفیت از طریق کنترل فرایند^۱



یکی از مهم‌ترین اصول ناظر بر حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تفکیک حکمرانی از مدیریت است. مدیریت یکی از اجزای حکمرانی است، لذا باید همواره مورد توجه قرار گیرد تا از خلط احتمالی حکمرانی و مدیریت اجتناب شود. موضوع مهم دیگر در این قسمت لزوم درگیر کردن افراد کلیدی است تا در نهایت بتوان به یک حکمرانی جمعی دست یافت.

د) انواع حکمرانی آموزش فنی و حرفه‌ای

در بیان مشخصه‌های اصلی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید گفت که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از جمله آموزش‌هایی هستند که با مشارکت حداکثری ذی‌نفعان^۲ کلیدی و شرکای اجتماعی درهم‌تنیده است و این آمیختگی، ماهیت^۳ این نوع از آموزش است که نباید نادیده گرفته شود. ممکن است این سؤال پیش بیاید با این الزام ماهیتی چرا در کشورهای صاحب سبک در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، نظام حکمرانی واحد و یکسان نیست؟ پاسخ شاید این باشد که این آموزش‌ها براساس سرزمین طراحی می‌شود و استقرار می‌یابد یا به عبارت بهتر، طراحی مبتنی بر سرزمین با ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی، نیروی انسانی، منابع، جمعیت، سطح فناوری و سرعت شتاب تغییرات^۴ و سیمای بازار کار^۵ باید هم‌خوانی داشته باشد.

با این نگاه می‌توان گفت حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای براساس نحوه دخالت دولت‌ها و میزان حاکمیت قانون از یک‌سو و مشارکت بخش خصوصی از سوی دیگر تعریف می‌شود. در کشورهای آلمان، بریتانیا، ژاپن و فرانسه به‌عنوان چهار مدل، دسته‌بندی براساس دو مؤلفه دولت و مشارکت (تعهد بخش خصوصی به‌عنوان آموزش‌دهنده و بهره‌بردار) انجام شده است. بر این اساس چهار نوع از حکمرانی را بسته به جایگاه دولت و بخش خصوصی در نظام تصمیم‌گیری و اجرا می‌توان نام برد که به‌صورت زیر دسته‌بندی می‌شود:

- مشارکت حداکثری دولت و بخش خصوصی (آلمان، اتریش، دانمارک، سوئیس)

- مشارکت حداقلی بخش خصوصی و حداکثری دولت (فرانسه، سوئد)

- مشارکت حداقلی دولت و حداقلی بخش خصوصی بسته به موقعیت (بریتانیا، آمریکا، کانادا)

- مشارکت حداکثری بخش خصوصی و شرکت‌ها و حداقلی دولت (ژاپن)

از نگاه برخی دیگر از صاحب‌نظران حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از جمله رانر^۶ حکمرانی به

شکل دیگری نیز ترسیم می‌شود.^۱

1. Controlller and Auditor-General - Zealand

2. Stakeholder

3. Nature

4. Pace of Technology

5. Feature of Labor Market

6. Felix Rauner

«رانر»^۲ ابتدا به تبیین نظام‌های مختلف آموزش فنی و حرفه‌ای می‌پردازد، وی متذکر می‌شود: نظام‌های آموزش فنی و حرفه‌ای معمولاً با توجه به مکان‌های یادگیری طبقه‌بندی می‌شوند که نمونه بارز آن آموزش‌های حرفه‌ای «مبتنی بر بنگاه اقتصادی» و «مبتنی بر مدرسه» است، که ممکن است توسط انواع ترکیبی مهارت‌آموزی مشارکتی تکمیل شود.

علوم اقتصادی و اجتماعی تمایل به طبقه‌بندی دیگری دارند که فرایندهای آموزش حرفه‌ای با آن کنترل می‌شوند و آن هماهنگی کارگزاران جامعه و سیاست و تطابق وابستگی بین آنهاست که البته در طول دو دهه گذشته تحت عنوان «حکمرانی» مورد توجه قرار گرفته است. دلیل این امر آن است که رویکردهای سنتی به «بازار، نظام آموزشی و کنشگران فنی و حرفه‌ای» برای توصیف پدیده‌ها کافی نبوده است.

در آموزش و تربیت حرفه‌ای، معمولاً سه نوع ایدئال از مقررات و حکمرانی (براساس نقش‌های کنشگران و تفکر آنها) متمایز می‌شوند که می‌توان آن را به «مدل بازارمحور»، «مدل کنترل‌شده دولتی» و «مدل حرفه‌محور» یا حکمرانی آموزش و تربیت حرفه‌ای شرکتی نامگذاری کرد.

مدل بازارمحور در حکمرانی آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای با کنترل فوری صلاحیت حرفه‌ای توسط نظام اشتغال و تقاضا در بازار کار مشخص می‌شود. صلاحیت حرفه‌ای به نیازمندی‌های کارفرمایان جهت می‌دهد و نسبت به ارائه‌دهندگان مهارت که پودمان‌های یادگیری مرتبط با شغل را ارائه می‌دهند، صورت می‌گیرد. مسئولیت فرایند مهارت‌آموزی برعهده فراگیران است که انتظار می‌رود صلاحیت‌های مورد نیاز کارفرمایان را کسب کنند. نمونه بارز این مدل ایالات متحده و ژاپن است که در آن فقدان نسبی یک نظام تنظیم‌شده نسبت به آموزش فنی و حرفه‌ای که تعداد زیادی دانش‌آموز در مدارس متوسطه و آموزش عالی دارد دیده می‌شود. در این نظام، آموزش فنی و حرفه‌ای و دسترسی به آن توسط کارفرمایان به عنوان «مشتری» کنترل می‌شود که نیازها و خواسته‌های آنها محتوای مهارت‌آموزی را تعیین می‌کند به طوری که انتقال صلاحیت از یک شرکت به شرکت دیگر دشوار است. از یک سو این سیستم کاملاً منعطف و متناسب با نیازهای سیستم اشتغال تلقی می‌شود، اما از طرف دیگر وابستگی به تأمین خصوصی فرصت‌های مهارت‌آموزی و خطر کمبود سرمایه‌گذاری در آموزش حرفه‌ای به عنوان نقص‌های جدی این مدل تلقی می‌شود.

مدل کنترل‌شده دولتی آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای مدل ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مدارس است که در معرض مقررات نسبتاً سخت و تعیین شده به وسیله متولیان دولتی می‌باشد. در این

1. Rediscovering Apprenticeship, Technical And Vocational Education And Training Series
Chapter 4-Plural Administration in Dual Systems in Selected European Countries
Felix Rauner, Wolfgang Wittig, and Ludger Deitmer

۲. فلیکس رانر استاد دانشگاه برمن است که ریاست گروه تحقیقاتی آموزش‌های حرفه‌ای در دانشگاه برمن و سرپرست گروه تحقیق VET را برعهده دارد. وی استاد مشاور، رئیس شبکه‌های تحقیقاتی بین‌المللی و ناشر کتاب راهنمای آموزش حرفه‌ای است.



مدل، که به‌عنوان مثال در فرانسه یا چین رواج دارد، آیین‌نامه‌ها و مقررات بر عملکرد مدرسه حاکم است و شامل آموزش مدنی و شهروندی نیز است. شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در این سیستم نقش نهادینه‌ای ندارند، اما به‌عنوان تأمین‌کننده کارآموزی خدمت می‌کنند، درحالی که کلیه کارکردهای نظارتی - برنامه‌ریزی، مدیریت و کنترل در بخش عمومی متمرکز است. محتوای آموزش فنی و حرفه‌ای به‌طور معمول مبتنی بر انواع آموزش نظری و آکادمیک است و بخش خصوصی نقشی در تقاضای انواع آموزش یا تهیه محتوا ندارد. در سیستم کنترل دولتی ارتباط نسبتاً نزدیک میان آموزش فنی و حرفه‌ای با آموزش عمومی وجود دارد. علاوه بر این، تأمین و ارائه مکان‌ها و مراکز مهارت مستقل از شرکت‌های خصوصی است. مشکل اصلی این سیستم ارتباط ضعیف با بازار کار است.

از مدل سوم معمولاً با عنوان **مقررات سنتی مبتنی بر حرفه** یا شرکت‌های بزرگ یاد می‌شود. از لحاظ تاریخی این مدل از سنت کارآموزی در حرفه‌های صنعتی گرفته شده است. این مدل با تأثیر شدید آموزش فنی و حرفه‌ای از مؤسسات و بنگاه‌های مهارت‌آموزی و اتاق‌ها شناخته می‌شود. دسترسی به مهارت‌آموزی و همچنین تعریف محتوای آموزشی و مسئولیت امتحانات با شرکت‌ها و اتاق‌هاست. در این سیستم تنظیم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در یک شبکه متشکل از نهادهای دولتی، شرکت‌ها یا انجمن‌های کارفرمایان و همچنین اتحادیه‌های صنفی و انجمن‌های حرفه‌ای صورت می‌گیرد. تنوع این مدل‌های ترکیبی مقررات را می‌توان در سیستم‌های مشارکتی (دوگانه یا دوآل) آموزش و تربیت حرفه‌ای از قبیل اتریش، دانمارک، آلمان و سوئیس پیدا کرد.

در عمل مهم‌ترین نمونه از این سیستم‌های ترکیبی آموزش و تربیت حرفه‌ای، مدل‌های مهارت‌آموزی متناوب و کارآموزی یا مدل آموزش دوگانه است. ویژگی مشترک این مدل‌ها ترکیبی از مهارت‌آموزی درون شرکت و آموزش مدرسه است. در صورت مهارت‌آموزی متناوب، مراحل آموزش مدرسه و آموزش عملی در دوره‌های نسبتاً طولانی به‌صورت متناوب انجام می‌شود و آموزشگاه حرفه‌ای یا کالج همچنان محل غالب یادگیری (اصلی) است. برنامه‌های درسی معمولاً توسط متولیان دولتی تعیین می‌شود و علی‌رغم مشارکت شرکت‌ها، دولت در این مدل نقش اصلی دارد.

ه) الگوی حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از نگاه رائر

رائر حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را متأثر از عواملی مانند جامعه‌شناسی، اخلاق و مدیریت می‌داند و بر این اساس معتقد است که برای تعیین موقعیت حکمرانی در وضع موجود باید در دو محور عمودی و افقی (نمودار ۱) براساس توجه به دروندادها و بروندادها از یک‌سو و ازسوی دیگر تجمیعی بودن حکمرانی یا جزیره‌ای بودن توجه کرد. با این نگاه ما با چهار نوع حکمرانی شامل حکمرانی دروندادگرایی تجمیعی (هماهنگ)، حکمرانی دروندادگرایی جزیره‌ای (تفکیکی)، حکمرانی بروندادگرایی تجمیعی و حکمرانی بروندادگرایی جزیره‌ای مواجه می‌شویم.

در حکمرانی دروندادگرا قوانین و مقررات منبع اصلی حکمرانی است که به سیستم وارد می‌شود و کلیه کنشگران موظف به تبعیت از آن هستند. معیار سنجش در میزان اعمال حکمرانی، اجرای قانون است. در این ساختار قانون از قدرت بسیار بالایی برخوردار است. نقش قانون در محور عمودی نشان داده می‌شود.

در مدل حکمرانی برون‌دادگرا، قانون چندان نقشی ندارد. ملاک سنجش خروجی‌های این نظام است. کنترل درونداد نوعی از مدل بوروکراسی سنتی حکمرانی عمومی است که دغدغه آن اجرا و استقرار قانون است، اما حکمرانی نوین به برون‌داد توجه دارد که در قسمت پایین محور عمودی نشان داده می‌شود. بنابراین محور عمودی با دو شاخصه دروندادگرا و برون‌دادگرا مشخص شده است.

از نگاه رانر بُعد دیگر در تعیین مدل، محور افقی است که نشانگر تجمیع و پراکندگی کارگزاران اعم از دولتی و غیردولتی و بخش خصوصی است که تجمیع یا پراکندگی را نشان می‌دهد. در دو سر این محور و در منتهی‌الیه آن تجمیع کامل و تفکیک کامل را شاهد هستیم. در مدل تفکیکی هر دستگاه و مجری آموزش فقط در حیطه نهاد خود برنامه‌ریزی و اجرا و تنظیم‌گری را انجام می‌دهد، اما در مدل تجمیعی همه ذی‌نفعان باید در تصمیمات کلیدی به توافق برسند، هرچند که توافق کامل جمعی کاری دشوار است، اما در درون این ساختارها، راهکارهای دستیابی به توافق تسهیل می‌شود و در هر حال ذی‌نفعان می‌دانند که فقط در صورت توافق می‌توانند از دستاوردهای آن بهره‌مند شوند. البته وقتی سیستم از ابتدا بر این منوال چیدمان می‌شود کنشگران می‌دانند و یاد می‌گیرند که باید با حفظ منافع ملی و نگرش سیستمی جایگاه خود را حفظ کنند.

رانر معتقد است در محور افقی باید پنج شاخص تبیین شود:

۱. انسجام چارچوب قانونی

۲. همکاری بین بخشی کارگزاران

۳. راهبری نوآوری

۴. تعادل بین حوزه‌های سیاستی مرتبط

۵. تخصیص کارکردهای عملیاتی و راهبری (به بدنه هر دستگاه)

رانر با این دو محور، یک معادله تعیین جایگاه برای هر کدام از سیستم‌های حکمرانی بر روی محور مختصات ارائه می‌کند و معتقد است بهترین سیستم حکمرانی سیستمی است که در حالت منتهی‌الیه تجمیع و میانه برون‌داد و درونداد قرار گیرد.



نمودار ۱. انواع حکمرانی با توجه به دروندادها و بروندادها



و) حکمرانی چندسطحی آموزش های فنی و حرفه ای

نوعی از حکمرانی است که در آن انتقال اختیارات حاکمیتی و اقتصادی با حفظ منافع ملی و قانونی به صورت هماهنگ بین سطوح مختلف که به صورت عمودی دولت و کارگزاران و به صورت افقی بخش غیردولتی مؤثر شامل ذی نفعان کلیدی و شرکای اجتماعی در آموزش های فنی و حرفه ای است در فضایی متعامل شکل می گیرد. بازیگران آموزش های فنی و حرفه ای در این فضای متعامل و چندسطحی دارای اختیارات قانونی و حرفه ای هستند و مشروعیت همه تصمیمات در این چارچوب در همه سطوح حفظ می شود.

فصل سوم - پیش نیازهای اعمال حکمرانی آموزش های فنی و حرفه ای

الف) بایسته های سیاست گذاری و تقویت حکمرانی آموزش های فنی و حرفه ای از منظر بین المللی (سیاست گذاری و تقویت حکمرانی)

در یک مقیاس عمومی و صرف نظر از نوع حکمرانی نیاز به مؤلفه هایی برای بهبود حکمرانی وجود دارد که در این بخش به برخی از این موارد از منظر بین المللی^۱ اشاره می شود. (جدول ۱)

۱. ارتقا، هماهنگی، همکاری و مشارکت در کل دولت

سیاست‌های مربوط به مهارت به‌ندرت تنها دامنه یک وزارتخانه یا سطح دولت را در بر می‌گیرد، زیرا هماهنگی، همکاری و مشارکت در سطوح بالاتر ظرفیت بیشتری را برای بهبود نتایج و پیامدهای مهارت به دنبال دارد. وجود دیدگاه مشترک مبنی بر اینکه مهارت‌ها یک اولویت ملی هستند، هماهنگی در حوزه‌های مختلف را تسهیل می‌کند. دولت‌ها باید ذی‌نفعان مرتبط با این حوزه را شناسایی و با آنها تعامل کنند و هماهنگی بین مقامات مرکزی و فرعی را تشویق کنند (مانند بخش‌های ملی و استانی یا محلی). قدم اول و درست، تعیین نقشه همه سیاستگذاری‌ها و کنشگران اصلی است که بر توسعه مهارت و استفاده از آنها تأثیر می‌گذارند. تلاش‌های هماهنگی باید توسط نهادهای ذی‌ربط و اصلی انجام شود. این مؤسسات می‌توانند اشکال مختلفی را ایجاد کنند. با این حال مهم است که آنها در یک برهه زمانی خاص و مشخص مکانیسم‌های نظارت و ارزیابی مؤثر را برای ارزیابی عملکرد سیستم مهارت ایجاد کنند.

۲. مشارکت‌دهی ذی‌نفعان در سراسر چرخه سیاستگذاری

نیاز به مشارکت ذی‌نفعان ناشی از پیچیدگی و تعدد «اقدامات سیاستی» است که برای بهبود پیشرفت و استفاده از سرمایه‌های انسانی یک کشور باید انجام شود. سیاستگذاران که در معرض انتخاب سیاست‌های پیچیده هستند، نیاز دارند تا از تخصص و دانش ذی‌نفعان بهره‌مند شوند. مشارکت ذی‌نفعان، مشروعیت تصمیمات مربوط به سیاستگذاری را تقویت می‌کند. اولین قدم برای جذب مشارکت ذی‌نفعان این است که نقش همه کنشگران در سیستم مهارت تعریف شود و چگونگی و اندازه تعامل آنها با یکدیگر نیز تعیین شود. بسیار مهم است که مشارکت در عمل به چیزی ملموس منجر شود و ذی‌نفعان باید فرصت‌هایی برای نفوذ در سیاستگذاری مهارت‌ها داشته باشند. البته با این ملاحظه که دخالت آنها در تصمیم‌گیری منجر به محدودیت نهادهای عمومی توسط منافع خصوصی نشود.

۳. یکپارچگی در سیستم‌های اطلاعاتی

با پیشرفت و پیچیده‌تر شدن سیستم‌های مهارت مدیریت داده‌ها و اطلاعات به یک موضوع مهم سیاستگذاری تبدیل می‌شود. دولت‌ها پس از جمع‌آوری و مدیریت داده‌ها و اطلاعاتی که حکمرانان و ذی‌نفعان تولید می‌کنند، آنها را تجزیه و تحلیل می‌کنند و توزیع می‌نمایند تا اطمینان حاصل شود که سیاستگذاران، بنگاه‌ها، افراد و دیگران به اطلاعات دقیق، به‌موقع، دارای جزئیات و متناسب دسترسی داشته باشند. اولین قدم در جهت ایجاد یک سیستم اطلاعاتی یکپارچه تولید و جمع‌آوری تمام مهارت‌های متناسب بازار کار و داده‌های یادگیری است. انتقال از «داده» به «اطلاعات» مستلزم آگاهی از کاربران نهایی و نیازهای آنها و همچنین شکاف‌های موجود اطلاعات است. برای تبدیل داده‌ها به اطلاعات عملی، یک رویکرد کاربرمحور لازم است.



۴. هم‌راستایی و هماهنگی در تنظیمات و موافقتنامه‌های مالی - تمهیدات تأمین مالی (ترتیبات مالی بودجه)

حکمرانی و تأمین مالی به‌طور غیرقابل تفکیک درهم‌تنیده هستند. تلاش‌هایی که با هدف افزایش سطح و کارایی هزینه‌ها در حوزه مهارت انجام می‌شود، باید با ظرفیت نهادی قدرتمند همراه باشد. برنامه‌ریزی‌های مالی باید به سازوکارهای انعطاف‌پذیر تقسیم هزینه تکیه کند که ادغام منابع چندگانه را تسهیل می‌نماید. وجوه و منابع عمومی باید به‌دقت اختصاص داده شود تا نتایج بهتری را برای سیاستگذاری و ترویج دسترسی عادلانه به فرصت‌های توسعه مهارت برای همه فراهم آورد. اولین قدم در اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌های مهارت، ارزیابی شکاف‌های تأمین مالی در نظام‌هاست. راهبردهای سرمایه‌گذاری باید مطابق با اولویت‌های راهبردی میان‌مدت دولت تدوین شود و منابع به‌گونه‌ای تخصیص یابد که مسئولیت‌ها و سازوکارهای پاسخگویی با بودجه همسان شوند تا افراد دارای مسئولیت ظرفیت و بودجه لازم را جهت کار در استاندارد خدمات مطلوب داشته باشند.

با توجه به مطالب فوق جدول ذیل نشان می‌دهد برای تحقق هر کدام از بایسته‌ها چه اقداماتی باید انجام شود. نکته مهم در این جدول عام بودن هر کدام از مؤلفه‌هاست که در هر نوع سیستم آموزش فنی‌و حرفه‌ای نیازمند بذل توجه است.

جدول ۱. درس‌های کلیدی برای سیاستگذاری جهت تقویت حکمرانی سیستم‌های مهارت

هم‌راستایی و هماهنگی در برنامه‌ریزی‌های تأمین مالی	یکپارچگی در سیستم‌های اطلاعاتی	مشارکت‌دهی ذی‌نفعان در سراسر چرخه سیاستگذاری	ارتقا، هماهنگی، همکاری و مشارکت در کل دولت
<ul style="list-style-type: none"> - جمع‌آوری منابع و تنوع منابع - ارزیابی نیازهای مالی و تعیین نیازها - سازگاری تأمین منابع مالی با نیازها 	<ul style="list-style-type: none"> - جمع‌آوری داده‌ها - بهبود داده‌پردازی و انتشار اطلاعات و متناسب‌سازی آن - ارتقای فرایندهای مدیریتی و ارزشیابی 	<ul style="list-style-type: none"> - تعیین و مشارکت‌دهی همه ذی‌نفعان مربوطه در نظام مهارت - فراهم کردن امکان برای ذی‌نفعان جهت ایفای نقش در طراحی، اجرای سیاست‌ها، پایش و ارزشیابی، اعتمادسازی 	<ul style="list-style-type: none"> - تهیه نقشه و نگاشت از نظام مهارت - ایجاد نهادهای مناسب - بهبود فرایندهای ارزشیابی و پایش

ب) نقش دولت‌ها در آموزش و تربیت فنی‌و حرفه‌ای

همان‌گونه که قبلاً بیان شد موضوعات اصلی حکمرانی در حوزه آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای شامل «مدیریت سیستم»، «امور مالی و بودجه» و «تضمین کیفیت» است. نقش دولت یا حکمران به‌ویژه در مواردی که بیش از یک سطح حکمرانی در آن متصور باشد در تحقق این سه مؤلفه اصلی در آموزش و تربیت فنی‌و حرفه‌ای شامل موارد زیر است که می‌تواند به‌عنوان اهرم‌های اثرگذار در حل تنش‌های اجتناب‌ناپذیر حکمرانی چندسطحی مؤثر واقع شود:

- مسئولیت‌های قانونی و حقوقی،
- سیاست‌گذاری و اجرا،
- برنامه‌ریزی؛ ارائه آموزش‌ها،
- اعطای مدارک و گواهینامه،
- تأمین منابع مالی،
- اعتباربخشی،
- تضمین کیفیت.

با وضع قانون از سوی قانونگذار مسئولیت‌ها و وظایف نهادهای حاکمیتی و مجریان در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آغاز می‌شود. اکثر نقش‌های فوق‌الذکر در سطوح مختلف حاکمیت چندسطحی وجود دارد. در حقیقت می‌توان گفت تنها برنامه‌ریزی و ارائه آموزش مربوط به نهادهای مجری است و تأمین منابع مالی مربوط به دولت‌ها و یا بخش خصوصی یا کمک‌های خیرین است و مابقی نقش‌ها قابل تعمیم به نهادهای حاکمیتی و دستگاه‌های مجری است که هر کدام در سطح خود ایفا می‌شود.

ج) تجارب بین‌المللی موجود

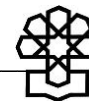
در این قسمت در صدد توضیح نقش دولت‌ها و سایر ذی‌نفعان در حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هستیم. بازیگران درگیر در سیاست‌گذاری مهارت‌ها، ساختار حکمرانی اصلاح شده کشور اردن و ساختار حکمرانی اتحادیه اروپا مواردی است که در این قسمت به تبیین آن می‌پردازیم.

۱. بازیگران درگیر در سیاست‌گذاری مهارت‌ها

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)^۱ یکی از تأثیرگذارترین نهادهای اقتصادی جهانی به‌منظور پالایش سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی است که با ارزیابی تجارب مشترک اعضا به دنبال راه‌حل مشترک در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی از طریق هماهنگ کردن سیاست‌های داخلی و بین‌المللی است. انتشارات این سازمان تاکنون مقالات و کتب زیادی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ابعاد مختلف آن منتشر کرده است. در برنامه «به‌سوی استراتژی مهارت‌های او ای سی دی»^۲ جدولی ارائه شده است که به تفهیم موضوع کنشگران درگیر در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و سیاست‌گذاری میان آنها کمک می‌کند. در این جدول کنشگران اصلی و فرعی شرکت‌کننده در سیاست‌گذاری آموزش فنی و حرفه‌ای اعم از ارائه‌کنندگان و بهره‌برداران به تصویر کشیده شده است.

1. Organization for Economic Co-operation and Development

2. Towards an OECD Skills Strategy-2011- p 28



بررسی جدول نشان می‌دهد که این جدول با رویکرد هماهنگی میان ارکان دولت و شرکای اجتماعی و سایرین (استفاده‌کنندگان) تنظیم شده است. در این رویکرد نه فقط سیاست‌های مربوط به مهارت، بلکه سایر سیاست‌هایی که به‌نحوی با مهارت مرتبط هستند، هم نسبت به ارائه‌کنندگان و هم نسبت به استفاده‌کنندگان مهارت قابل لمس است. این سیاست‌ها، سیاست‌های مربوط به توسعه اقتصادی، منطقه‌ای، مهاجرت، صنعت و... است. ایجاد پیوند بین حوزه‌های سیاستی برای تضمین بهره‌وری و جلوگیری از شکاف در ارائه خدمات است. یک رویکرد هماهنگ به پیوند میان عرضه و تقاضای مهارت کمک می‌کند و به سیاستگذاران نیز این امکان را می‌دهد تا معادلات سیاست در موضوعاتی مانند بازار کار، ادغام بازارها، مهاجرت و بهینه‌سازی منابع کمیاب را درست تشخیص بدهند.

جدول ۲. کنشگران مشارکت‌کننده (درگیر) در سیاستگذاری مهارت‌ها (OECD 2011)^۱

دیگران	شرکای اجتماعی	دولت‌های فرعی	دولت ملی	سیاست‌ها	
مدارس دانشگاه‌ها ارائه‌دهنده‌ها	سازمان‌های کارفرمایی اتحادیه‌های صنفی شرکت‌ها (تربیت فنی و حرفه‌ای)	شهرداری‌ها دولت‌های محلی (ایالت‌ها)	وزارت آموزش (مدارس) وزارت کار (تربیت فنی و حرفه‌ای) وزارت علوم، فناوری و نوآوری	آموزش‌های اولیه	ارائه‌دهندگان مهارت‌ها (مرتبط با مهارت‌ها)
ارائه‌دهنده‌ها دانشگاه‌ها	شرکت‌ها سازمان‌های کارفرمایی اتحادیه‌های صنفی	شهرداری‌ها دولت‌های محلی	وزارت آموزش وزارت کار وزارت دارایی	آموزش بیشتر	
جوامع محلی ان‌جی‌اوها خیریه‌ها	شرکت‌ها اتاق‌های بازرگانی	شهرداری‌ها	وزارت مهاجرت وزارت کار	مهاجرت	
مراکز هدایت شغلی - حرفه‌ای		دفتر بازاریابی بازار کار محلی	وزارت امور اجتماعی وزارت خانواده	فعال‌سازی	استفاده از مهارت‌ها (بهره‌برداری از مهارت‌ها)
مراکز هدایت شغلی - حرفه‌ای	شوراهای مهارت‌های بخشی	دفتر بازاریابی بازار کار محلی	وزارت آموزش وزارت کار	سازگاری مهارت با شغل	
	شرکت‌ها سازمان‌های کارفرمایی		وزارت اقتصاد وزارت صنعت	طرف تقاضا	

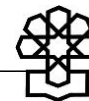
حوزه‌های سیاستی ارائه‌کنندگان مهارت نشان می‌دهد که موضوعاتی مانند مهارت‌های اولیه، مهارت‌های بیشتر و نیروی کار مهاجر (اعم از ورودی‌ها یا خروجی‌ها) موضوعات اصلی هستند. از سوی دیگر توجه به سازگاری مهارت با شغل و توجه به تقاضای بازار کار برای کسب مهارت باید مورد مذاقه استفاده‌کنندگان از مهارت قرار گیرند.

ارکان درگیر در حوزه مهارت علاوه بر وزارتخانه‌ها و در کشورهای فدرال دولت‌های محلی (ایالت‌ها) و شهرداری‌ها، شرکای اجتماعی مانند اتاق‌ها، اتحادیه‌های صنفی، شرکت‌ها و مؤسسات، شوراهای مهارت یا سازمان‌های کارفرمایی هستند.

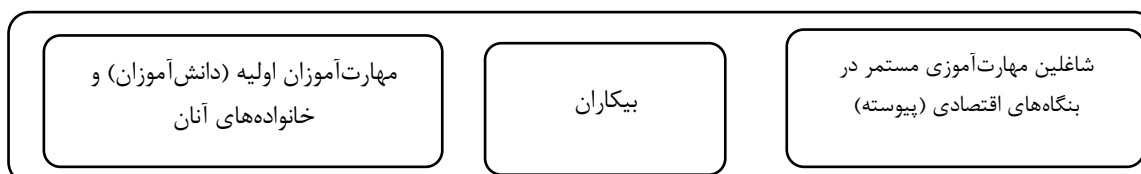
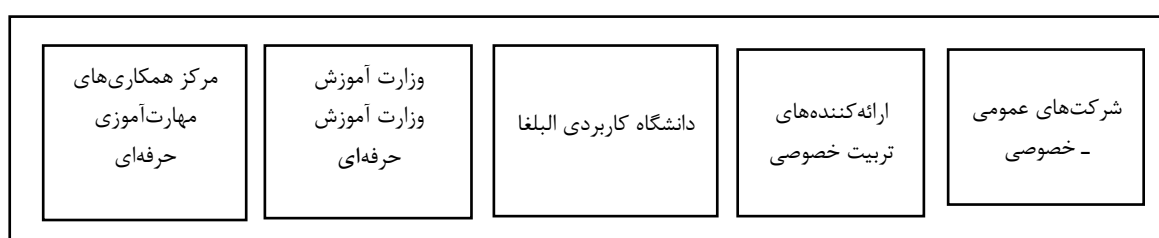
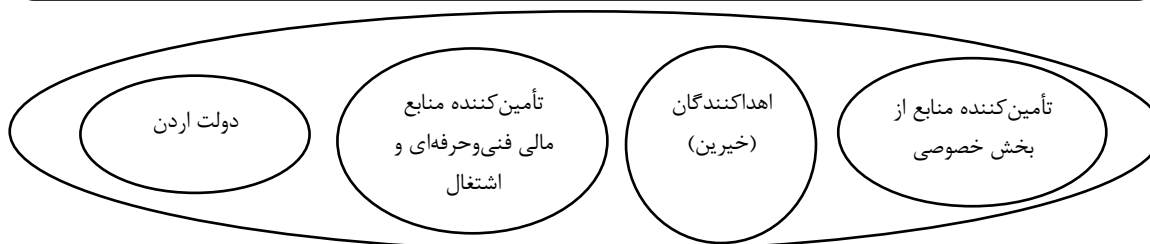
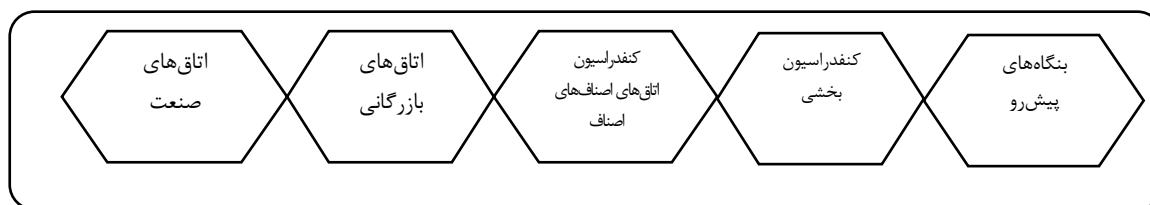
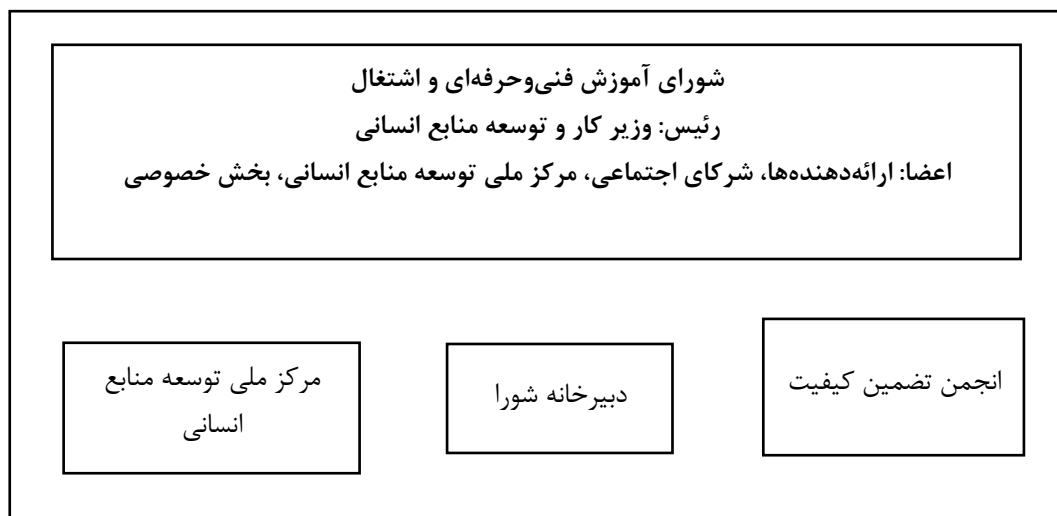
سایر نهادهای درگیر در حوزه مهارت مدارس، دانشگاه‌ها، دیگر ارائه‌کنندگان، جوامع محلی، سمن‌ها و مراکز هدایت شغلی حرفه‌ای هستند. گستردگی نهادهای حاکمیتی، شرکای اجتماعی، بخش خصوصی و سایر بخش‌های درگیر در این حوزه نشان از آن دارد که باید نگاه سیستمی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نهادینه شود.

۲. ساختار حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور اردن

اسناد اصلاحات کشورهای لیبی، فلسطین، لبنان و اردن با توجه به نیازهای داخلی این کشورها در حوزه حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سایت بنیاد حرفه‌آموزی اروپا منتشر شده است. با توجه به اینکه کشور اردن این بهینه‌سازی را در قالب یک نمودار ترسیم کرده است و با توجه به برخی مشابهت‌ها با ساختار حکمرانی ایران در اینجا به ارائه و بررسی این نمودار می‌پردازیم. (نمودار ۲)



نمودار ۲. مدل اصلاح حکمرانی آموزش های فنی و حرفه ای اردن



همان گونه که ملاحظه می‌شود نظام حکمرانی اصلاح شده اردن دارای پنج مؤلفه اصلی است. نهاد حاکمیتی، شرکای اجتماعی و بخش خصوصی، تأمین‌کنندگان منابع مالی، ارائه‌کنندگان آموزش و در نهایت بهره‌برداران.

در رأس ساختار نظام فنی و حرفه‌ای اردن شورای آموزش فنی و حرفه‌ای و اشتغال قرار دارد که رئیس آن وزیر کار است و دبیرخانه شورا ذیل آن قرار دارد. شرکای اجتماعی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اردن شامل اتاق‌ها و بنگاه‌ها هستند.

تأمین منابع مالی که یکی از مؤلفه‌های مهم حکمرانی است در اردن توسط دولت، بخش خصوصی، خیرین و... صورت می‌پذیرد. ارائه‌کنندگان آموزش فنی و حرفه‌ای نیز شامل شرکت‌های عمومی و خصوصی، ارائه‌کنندگان تربیت فنی و حرفه‌ای خصوصی، وزارت آموزش و پرورش، دانشگاه البلغا و مرکز همکاری‌های مهارت‌آموزی هستند. دریافت‌کنندگان یا بهره‌برداران آموزش در اردن هم شامل دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان، بیکاران و شاغلین برای دریافت آموزش مستمر و یا مادام‌العمر است که در ایران هم تقریباً همین روال قابل تصور است.

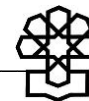
۳. ساختار حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اتحادیه اروپا

یکی از نمونه‌های اجرایی حکمرانی و بازیگران اصلی آن در مدل مفهومی زیر که مربوط به بنیاد حرفه‌آموزی اروپاست ارائه می‌شود.^۱ (نمودار ۳)

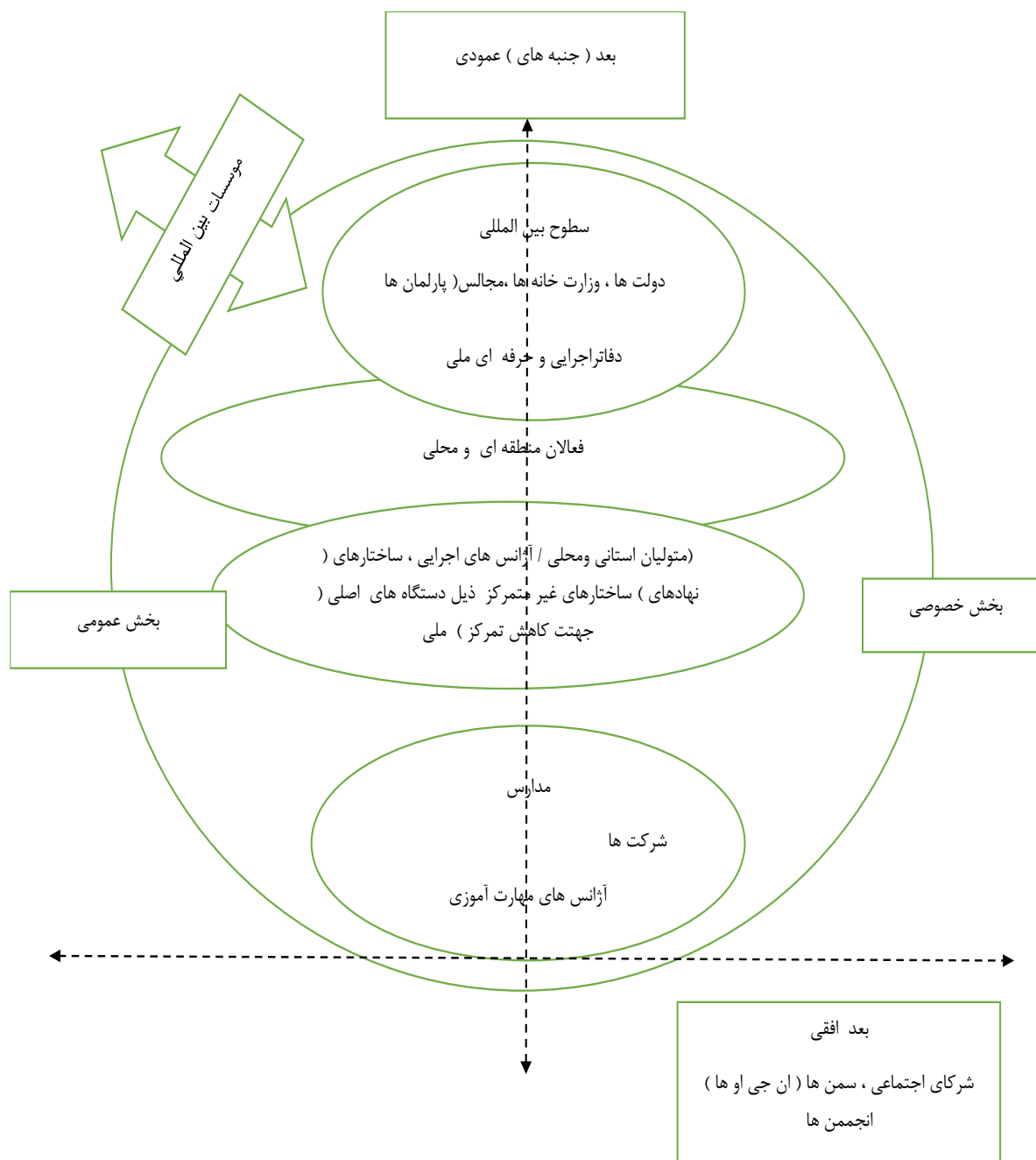
این مدل براساس دو مؤلفه اصلی و مهم یعنی نقش دولت‌ها و بخش خصوصی در دو خط عمودی و افقی ارائه شده است. خط عمودی نماد بخش دولتی و نحوه دخالت نهادهای دولتی است و خط افقی نمایانگر میزان دخالت بخش خصوصی و نهادهای درگیر در این بخش است.

در خط افقی شرکای اجتماعی، سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) و انجمن‌ها نقش ایفا می‌کنند. در خط عمودی در بالاترین مراتب دولت‌ها، پارلمان‌ها، وزارتخانه‌ها و دفاتر اجرایی حرفه‌ای و ملی وجود دارند که در هر کشور متناسب با ساختار سیاسی و سیاستی آن این نهادها درگیر هستند. در مراحل پایین‌تر فعالان منطقه‌ای و محلی سپس آژانس‌های اجرایی، متولیان محلی و ساختارهای غیرمتمرکز قرار دارند و در پایین‌ترین بخش مدارس، شرکت‌ها و آژانس‌های مهارت‌آموزی دخیل در امر آموزش فنی و حرفه‌ای هستند. نکته مهم در این نمودار نقش مؤسسات بین‌المللی است که در قالب اطلاعات علمی به‌روز شده به این ساختار تزریق می‌شود تا مورد بهره‌برداری در اصلاحات قرار گیرد.

1. ETF-European Training Foundation-Search Results Mapping Vocational Education and Training Governance in Jordan, 2014.



نمودار ۳. مدل مفهومی اجرای حکمرانی در بنیاد حرفه‌آموزی اروپا (ETF)



د) ضرورت اصلاحات اساسی در حکمرانی آموزش های فنی و حرفه ای^۱

حکمرانی آموزش های فنی و حرفه ای در سطح بین المللی از قدمت زیادی برخوردار نیست، اما نسبت به کشور ما پشتوانه بیشتری دارد.

در حال حاضر اصلاحات گسترده‌ای در بخش عمومی از جمله آموزش در بسیاری از دولت‌ها در حال انجام است. در نظام آموزشی اهداف اصلی اصلاحات عموماً افزایش بهره‌وری، اثربخشی، تناسب و پاسخگو بودن نظام‌ها و نهادهاست. دولت‌ها در پی دستیابی به این اهداف راهبردهای مختلفی را دنبال می‌کنند. در بسیاری از کشورها این اصلاحات با گرایش به سمت کاهش تمرکز، مدیریت مؤسسه‌مدار و استقلال نهادی بیشتر مشاهده می‌شود.

برای رقابت اقتصادی و حفظ و جذب سرمایه‌گذاری، دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید دانش، مهارت و ارزش‌های مناسب را کسب کرده و توسعه دهند به‌علاوه آگاه هستند که سیاست‌های توسعه مهارت باید نیازها و انتظارات کارآموزان، کارفرمایان و جامعه اطراف را برآورده سازد. این به‌معنای اصلاح آموزش و تربیت فنی‌و حرفه‌ای، جهت‌گیری مجدد نهادها به سمت مشتریان خود و ارتقای یادگیری مادام‌العمر است، اما حاکمیت نهادهای عمومی آموزش و تربیت فنی‌و حرفه‌ای (که در برخی کشورها از جمله کشور ما تعداد آنها زیاد است) و اصلاحات آن یک حوزه چندوجهی است. در شرایط کنونی، درک نحوه تغییر نهادهای آموزش و تربیت فنی‌و حرفه‌ای برای سیاستگذاران اصلی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

انتظارات از اصلاحات آموزش و تربیت فنی‌و حرفه‌ای که می‌تواند به توسعه اجتماعی و اقتصادی کمک کند، زیاد است. با وجود این، کمبود دانش نظری یا تجربی در این زمینه وجود دارد که در کشورهای مختلف تحت بررسی است و به‌سرعت در حال تحول است. با توجه به پیچیدگی‌های کار در این عرصه، سیاستگذاران و رؤسای نهادها مجبور نیستند به‌تنهایی عمل کنند، ذی‌نفعانی وجود دارند که ظرفیت نهادهای عمومی آموزش و تربیت فنی‌و حرفه‌ای را برای کمک به توسعه افراد، شرکت‌ها، جوامع محلی و جامعه به‌طور کلی می‌شناسند.

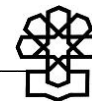
بازارهای کار در حال تحولات اساسی هستند و نقش دولت در رابطه با خدمات عمومی در حال گذار است. با توجه به قرار گرفتن آموزش و تربیت فنی‌و حرفه‌ای در رابطه پیچیده بین آموزش و اصلاحات در بازار کار، مشارکت جدید بین آموزش و کارفرمایان غالباً امری ضروری است.

فصل چهارم - تحلیل وضعیت حکمرانی آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای در ایران

الف) توصیف وضع موجود

۱. سیر تکوینی حکمرانی در آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای

آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای به اشکال مختلف در طول تاریخ وجود داشته‌اند که می‌توان قدیمی‌ترین نوع آن را به تجارب استاد شاگردی استناد داد. کارآموزی، هنرستان‌های جوار، سپاه ترویج کشاورزی، کاردانش، طرح کاد، هنرستان‌های فنی‌و حرفه‌ای، انستیتوها و... نمونه‌هایی از این تجارب هستند که



فرازونشیب این تاریخچه به‌شمار می‌آیند. برخی از این آموزش‌ها مانند کارآموزی پیشینه قانونی هم دارند. آیین‌نامه کارآموزی مصوب ۱۳۳۹ و به تبع آن تشکیل شورای عالی کارآموزی و یا تشکیل شورای عالی هماهنگی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای (۱۳۵۹) و شورای عالی آموزش‌های علمی کاربردی (۱۳۶۹) و سپس انحلال این شوراها و تشکیل ستاد هماهنگی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای نیز بخشی از این پیشینه قانونی هستند که می‌توان از آن به حکمرانی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای یاد کرد. البته نکته مهم این است که بجز ستاد هماهنگی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای هر کدام از شوراهای مذکور عهده‌دار هدایت بخشی از این نظام بوده‌اند و تنها ستاد موظف به هماهنگی میان کلیه ارائه‌دهندگان آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بود که آن هم فقط یک یا دو جلسه تشکیل و به‌بوته فراموشی سپرده شد. با موضوعیت یافتن حکمرانی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در سطح بین‌المللی از یک‌سو و تصویب و ابلاغ قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای در آذرماه ۱۳۹۶ و سپس تصویب آیین‌نامه اجرایی این قانون در هیئت دولت در بهمن‌ماه ۱۳۹۷ و بعد از آن با تشکیل شورای عالی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی در خردادماه ۱۳۹۸ ازسوی دیگر، موضوع چگونگی اجرای این نظام یا به‌عبارت دیگر اعمال حکمرانی و مدیریت جامع در این حوزه مطرح شده است. در این ارتباط به بررسی مؤلفه‌های اصلی حکمرانی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در ایران، کاستی‌های وضع موجود و بایسته‌های حکمرانی می‌پردازیم.

۲. مؤلفه‌های اصلی حکمرانی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در ایران براساس قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی

از منظر قانون نظام جامع، تعریف آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی «کسب نگرش‌ها، مهارت‌های عملی، فهم و دانش مرتبط با حرف و مشاغل بخش‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی به‌همراه آموزش و تربیت عمومی است»^۱. علاوه بر تحقق این نوع از آموزش جهت ایجاد ارتباط میان بخش‌های مختلف و مدیریت نهادها و نظام آموزشی و علاوه بر نحوه تأمین منابع مالی نیاز به ساختاری برای حکمرانی وجود دارد. در قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی دست‌کم سه رکن برای حکمرانی در نظر گرفته شده است:

رکن اول - دولت در بخش فرمان‌دهی یا کلان،

رکن دوم - ارائه‌دهندگان آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در بخش میانی،

رکن سوم - بخش‌های حرفه‌ای غیردولتی به‌عنوان بهره‌برداران نیروی انسانی.

بخش‌های حرفه‌ای غیردولتی به‌عنوان بهره‌برداران نیروی انسانی، بخش پایینی است که در متن قانون مذکور حدود و ثغور آن دقیق مشخص نشده است. (شایان ذکر است تا زمانی که چارچوب

۱. قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی - ۱۳۹۶، ماده (۲)، جزء «۱».

صلاحیت حرفه‌ای ملی مصرح در قانون طراحی و تصویب نشود این ابهام میزان مشارکت وجود خواهد داشت، اما در شرایط کنونی این سه رکن قابلیت اتکا دارد.

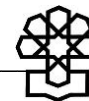
۳. چارچوب مفهومی نظام حکمرانی آموزش فنی و حرفه‌ای ایران براساس قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی

حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی به نحوی در حال حرکت و سازمان‌دهی است که اعمال حاکمیت در این حیطه نیازمند پذیرش دیگر کنشگران این حوزه در صحنه‌های تصمیم‌گیری و اجرایی است. این تقسیم قدرت و واگذاری سازمان‌دهی شده به نحوی است که هم باید در سطوح حاکمیت به صورت عمودی شامل سطح کلان و ملی، سطح میانی و منطقه‌ای و سطح خرد و اجرایی شکل پیدا کند و هم باید در سطح افقی شامل بخش خصوصی، انجمن‌های حرفه‌ای و تخصصی، شرکای اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد با تفکیک حوزه مداخله توزیع شود.

چارچوب نظام حکمرانی که براساس قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای ترسیم شده است در قالب نمودار زیر (نمودار ۴) قابل مشاهده است. کنشگران حکمرانی، سطوح حکمرانی و مؤلفه‌های اصلی حکمرانی سه مثلی هستند که این چارچوب را ترسیم می‌کنند. در رأس کنشگران حکمرانی، حکمران یا نهاد حاکمیتی سیاستگذار، هماهنگ‌کننده و مدیریت‌کننده قرار دارد. در دو ضلع دیگر مثلث، دنیای کار (انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، بنگاه‌های اقتصادی، کارفرمایان، کارگران و بازار کار) در یک ضلع و دنیای آموزش شامل ارائه‌کنندگان دولتی و غیردولتی آموزش‌های رسمی و غیررسمی، مربیان، بازار آموزش و... در ضلع دیگر قرار دارد.

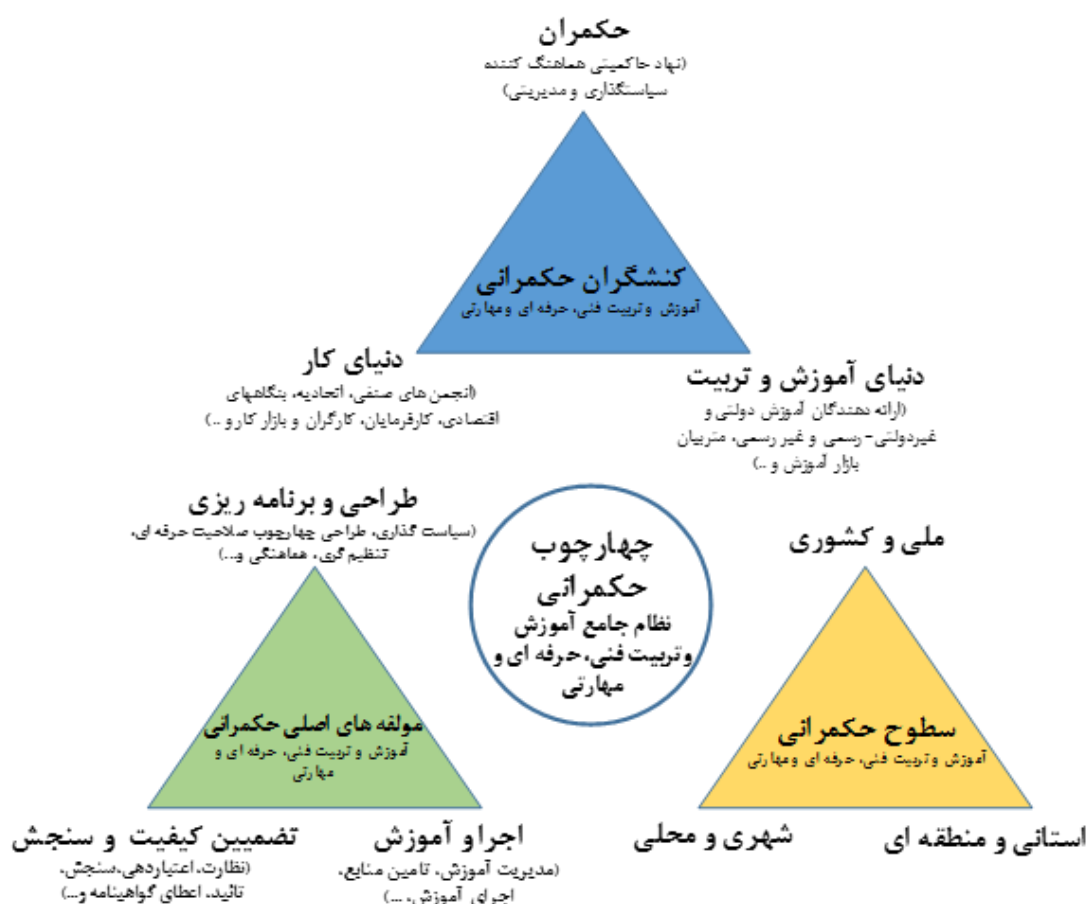
مثلث سطوح حکمرانی شامل سطح ملی و کشوری در رأس و سطح استانی و منطقه‌ای در یک ضلع و سطح شهری و محلی در ضلع دیگر است.

مثلث مؤلفه‌های حکمرانی شامل طراحی و برنامه‌ریزی (سیاستگذاری، هماهنگی، تنظیم‌گری، مدیریت و...) تضمین کیفیت و سنجش (نظارت، اعتباردهی، تأیید و اعطای گواهینامه) و اجرا و آموزش (مدیریت آموزش، تأمین منابع، اجرای آموزش و...) است. همان‌گونه که در این مثلث مشاهده می‌شود سه ضلع آن شامل مؤلفه‌های اصلی حکمرانی که قبلاً درباره آن توضیح داده شد، می‌باشد.



نمودار ۴. چارچوب حکمرانی در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارتی ایران به استناد قانون

نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای (مصوب ۱۳۹۶)



حوزه این تقسیم قدرت سیاستی و حاکمیتی می‌تواند شامل مشارکت ذی‌نفعان کلیدی در فرایندهای تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی، پاسخگویی، حفظ منافع ملی، مسئولیت‌پذیری در مقابل اختیارات و استفاده حداکثری از منابع عمومی و بخش خصوصی باشد.

در این نگاه، مدیریت چندسطحی به‌عنوان مدل حکمرانی می‌تواند شکل بگیرد به این معنا که کنترل اختیارات حاکمیتی و اقتصادی با حفظ منافع ملی و قانونی به‌صورت هماهنگ به سطوح مختلف انتقال پیدا کند. براساس این چارچوب مفهومی، مدل حکمرانی به‌صورت عمودی دولت و کارگزاران و به‌صورت افقی بین بخش غیردولتی مؤثر در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در فضای متعامل شکل می‌گیرد. بازیگران آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این فضای متعامل و چندسطحی دارای اختیارات قانونی و حرفه‌ای هستند و مشروعیت همه تصمیمات در این چارچوب در همه سطوح حفظ می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان گفت شورای عالی فنی و حرفه‌ای تصمیماتی را درخصوص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در چارچوب قانون نظام جامع به دستگاه‌ها ابلاغ می‌کند. هر دستگاه به‌عنوان زیرمجموعه

نهاد شورای عالی (از حیث اعمال قدرت قانونی) تمهیدات لازم برای اجرای تصمیمات را با توجه به وظایف خود در نظر می‌گیرد و به مراکز استانی ابلاغ می‌کند. همین روند از مراکز استانی به سایر نهادها در شهرها و مناطق جریان پیدا می‌کند، در بخش غیردولتی نیز همین روال صورت می‌پذیرد. از سوی دیگر نمایندگان هر کدام از دستگاه‌ها و بخش خصوصی و کلیه کنشگران در شورا حضور دارند و در اتخاذ تصمیم جمعی که شورا ابلاغ می‌کند سهیم هستند و بدین ترتیب حکمرانی چندسطحی شکل می‌گیرد.

ب) کاستی‌های وضع موجود

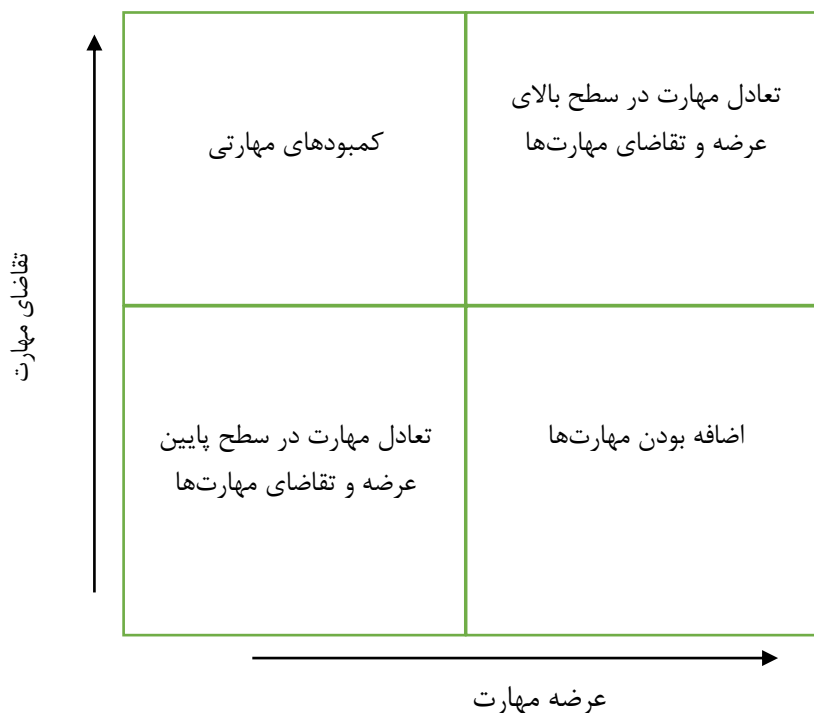
۱. بی‌توجهی به اصل تأکید بر تقاضا و پرهیز از تمرکزگرایی

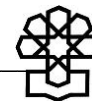
در صورتی که وضعیت موجود کشور با کشورهای صاحب سبک مقایسه شود می‌توان گزاره دولت حداکثری و بخش خصوصی حداقلی را نام برد که بسیار به کشور فرانسه شبیه است. این وضعیت نشان از این دارد که دو اصل فراموش شده است که لازمه بقا و کارآمدی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است:

• تأکید بر تقاضا در ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به جای تأکید بر عرضه

نتیجه حاصل از توجه به عرضه آموزش، بیکاری جوانان اعم از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و در میزان کمتری آموزش دیدگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است.

نمودار ۵. رابطه عرضه و تقاضای مهارت





در توضیح باید گفت که وجود رابطه متعادل میان عرضه و تقاضای مهارت از صرف هزینه‌های مهارت‌آموزی نابجا پیشگیری می‌نماید. صرفه‌جویی در این هزینه‌ها امکان ارتقای کیفیت آموزش‌های مهارتی را فراهم می‌کند. نمودار فوق (نمودار ۵) نشان می‌دهد که با توجه به میزان تقاضا، وضعیت مهارت‌ها به چه شکلی خواهد بود. وقتی میزان تقاضای مهارت در جامعه در سطح پایین است و میزان عرضه هم متناسب با آن است تعادل در حوزه عرضه و تقاضا ایجاد می‌شود که تعادل مهارت در سطح پایین عرضه و تقاضاست. همچنین وقتی میزان تقاضای بازار کار، مهارت در سطح بالاست و عرضه هم متناسب با آن است این تعادل وجود خواهد داشت، اما در صورتی که تقاضا کم و عرضه زیاد باشد با اضافه بودن سطح مهارت از نیاز جامعه مواجه می‌شویم چنانچه وقتی میزان تقاضا زیاد و عرضه کم باشد با کمبود مهارت در بازار کار مواجه خواهیم بود.

ساختار حاکمیتی مبتنی بر همکاری ضعیف بخش خصوصی در سیاستگذاری، هماهنگی و مدیریت موجب می‌شود بخش دولتی بدون توجه به نیاز بازار کار برنامه‌های ارائه آموزش را تعریف و اجرا کند که نتیجه آن یکی از دو حالت عدم تعادل یعنی کمبود مهارت در برخی نیازها و اضافه بودن در سایر نیازهای بازار کار است. چنانچه هم‌اکنون نظام آموزشی ما در ارتباط با بازار کار با چنین مشکلی مواجه است. به‌عنوان مثال وزارت آموزش و پرورش در شاخه فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش متناسب با امکانات خود برنامه‌ریزی می‌کند که نتیجه آن تربیت بیش از ۵۰ درصد دانش‌آموزان شاخه فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش در چهار رشته (کامپیوتر، حسابداری، فتوگرافیک و الکتروتکنیک) است^۱ که با نیاز بازار کار همخوانی ندارد. به‌عنوان مثال می‌توان گفت در حال حاضر با توجه به تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان رشته کامپیوتر (مهندس کامپیوتر) و حسابداری دانشگاه‌ها، بازار کار تمایل چندانی به جذب دیپلمه‌های این رشته‌ها ندارد و ازسوی دیگر چون آمایش سرزمین انجام نشده است، اساساً اطلاعاتی مبنی بر تعداد نیروی انسانی و رشته‌های مورد نیاز وجود ندارد که بتوان نیاز حقیقی را مشخص کرد.

• پرهیز از تمرکزگرایی به‌جای مشارکت متوازن

شرایط فعلی که می‌توان از آن به تمرکز بسیار زیاد ارائه آموزش با اتکا به بودجه دولت و عدم وجود مشارکت مناسب با بخش خصوصی یاد کرد به‌گونه‌ای است که حتی کارآموزی و کارورزی هم در فضای حقیقی اجرا نمی‌شود. حاصل این رویکرد در حکمرانی این است که امروز در کشور سهم بخش غیردولتی در تأمین منابع مالی در مقایسه با دولت نزدیک صفر است و تمام هزینه‌های این آموزش‌های گران‌قیمت به بودجه عمومی وابسته است در صورتی که بسیاری از دولت‌ها توان پرداخت این هزینه‌ها را ندارند و این در حالی است که بخش خصوصی می‌تواند و باید به‌عنوان استفاده‌کننده از نیروی کار

۱. رجوع شود به سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش ۱۳۹۶-۱۳۹۵ فصل هفتم - کلاس و دانش‌آموز شاخه‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش (داده‌پردازی آمارها)

ماهر در این فرایند نقش داشته باشد. البته بدون در نظر گرفتن نیازهای بخش خصوصی و ایجاد مشوق‌هایی مانند مشوق‌های مالیاتی مشارکت بخش خصوصی امکان‌پذیر نیست. لذا این تصویر از حکمرانی که دولت همه هزینه‌های این آموزش‌ها را پردازد باید تغییر نماید که به دلیل عادات مدیران و سهولت ظاهری مدیریت تمرکزگرا تغییر در وضعیت فعلی به سادگی میسر نیست. اگرچه قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای، چرخش‌های تحولی در دنیای کار و نیازهای جدید ناشی از این چرخش‌ها یعنی تغییر مدل حکمرانی را الزام‌آور کرده است.

۲. عدم دخالت بخش خصوصی در تأمین منابع

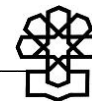
تا قبل از تصویب قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی در کشور ما نظام حکمرانی آموزش فنی و حرفه‌ای به صورت منسجم قابل ترسیم و تبیین نبود، اگرچه احکام قانونی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وجود داشت، اما بیشتر نشان از یک سیستم حاکمیتی داشت که ذی‌نفعان و شرکای اجتماعی در آن نقش ناچیزی داشتند. البته در گذشته بعد از تصویب قانون کارآموزی و تشکیل صندوق کارآموزی (مصوب ۱۳۴۹) تا حدودی صاحبان صنایع نقشی در تأمین منابع مالی این آموزش‌ها داشتند، اما هم‌اکنون سال‌های زیادی است که پس از تصویب قانون تجمیع عوارض^۱ در سال ۱۳۸۱ این ساختار منحل و ارتباط میان نظام آموزشی و بخش خصوصی در خصوص تأمین منابع مالی مختل شده است. ماده (۱۴) قانون کارآموزی مقرر می‌داشت:

کارفرمایان یا صاحبان صنایع طبق ضوابطی که شورای عالی کارآموزی با توجه به شرایط اقتصادی و صنعتی تعیین خواهد کرد ماهیانه مبلغی معادل ۲ درصد مزد کارگران خود را طبق صورت‌هایی که همه‌ماهه به سازمان بیمه‌های اجتماعی می‌فرستند جهت هزینه‌های مذکور در این قانون در حساب بانک خاصی به نام صندوق کارآموزی واریز می‌نمایند.

این اعتبارات که به صندوق کارآموزی واریز می‌شد صرف هزینه‌های ناشی از قرارداد کارآموزی (پرداخت دستمزد کارآموز) می‌گردید. با تصویب قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه (مصوب ۱۳۸۱) دریافت این وجوه غیرقانونی شد و به همین دلیل نظام کارآموزی مختل و ارتباط مالی بخش خصوصی و دولتی منفک گردید. ماده (۱) این قانون مقرر می‌داشت:

از ابتدای سال ۱۳۸۲ برقراری و دریافت هرگونه وجوه از جمله مالیات و عوارض اعم از ملی و محلی از تولیدکنندگان کالاها، ارائه‌دهندگان خدمات و همچنین کالاهای وارداتی صرفاً به موجب این قانون صورت می‌پذیرد و کلیه قوانین و مقررات مربوط به برقراری، اختیار و یا اجازه برقراری و دریافت وجوه که توسط هیئت وزیران، مجامع، شوراها و سایر مراجع، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های

۱. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۲۵.



دولتی از جمله آن دسته از دستگاه‌های اجرایی که شمول قوانین بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است، همچنین مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی صورت می‌پذیرد به استثنا ... لغو می‌گردد. با تصویب این قانون صندوق کارآموزی عملاً منحل گردید.

۳. بی‌توجهی به نقش بخش خصوصی و شرکای اجتماعی در اهداف قانون

قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی اهداف این نظام آموزشی را با محوریت موضوعاتی مانند توجه به ارزش‌های اسلامی، تقویت فرهنگ کار، تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد، توانمندسازی نیروی کار، فراهم‌سازی زمینه یادگیری مادام‌العمر و فعال‌سازی سرمایه‌های انسانی به‌منظور توسعه کارآفرینی و... تعیین کرده است.

اگر بخواهیم مقایسه‌ای میان هدفگذاری و اهداف حکمرانی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بین قانون مذکور و اسناد بین‌المللی داشته باشیم می‌توان گفت که نقش شرکای اجتماعی، همکاری میان بخش‌های دولتی و خصوصی و همکاری میان مؤسسات خصوصی و چگونگی ارتقای آن، فراهم کردن امکان برای ذی‌نفعان جهت ایفای نقش در طراحی، اجرای سیاست‌ها، پایش و ارزشیابی، کاهش نقش دولت در تأمین منابع مالی، جمع‌آوری منابع و تنوع منابع، ارزیابی نیازهای مالی و تعیین نیازها در اهداف قانون نظام جامع مورد توجه قرار نگرفته است. البته نکته مثبت این قانون توجه به ارزش‌های اسلامی و نقش آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که می‌تواند از ویژگی‌های نظام حکمرانی کشورمان باشد.

۴. فقدان نظام جامع اطلاعات بازار کار

همان‌گونه که در نمودار ۱ موضوع بایسته‌های سیاستگذاری و تقویت حکمرانی توضیح داده شد یکپارچگی در سیستم‌های اطلاعاتی با جمع‌آوری داده‌ها و بهبود داده‌پردازی به‌همراه انتشار اطلاعات کامل و به‌روزرسانی شده از مؤلفه‌های اصلی حکمرانی در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای است که البته در سیاست‌های کلی اشتغال نیز مورد تأکید قرار گرفته است. هم‌اکنون یکی از مشکلات اساسی نظام آموزش فنی‌وحرفه‌ای در کشور ما فقدان اطلاعات جامع بازار کار است که موجب هدررفت آموزش و هزینه‌های آن و تربیت نیروی کار بدون توجه به نیاز بازار کار می‌شود. در حالی که در بند «۲» سیاست‌های کلی اشتغال توجه به نیازهای فعلی و حتی آتی بازار کار مدنظر قرار گرفته است.

ج) بایسته‌های حکمرانی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در ایران

با توجه به بررسی‌های انجام شده در خصوص حکمرانی، حکمرانی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، مؤلفه‌های اصلی حکمرانی و با بررسی‌های انجام شده نسبت به قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای می‌توان مؤلفه‌های زیر را به‌عنوان بایسته‌های حکمرانی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در ایران مطرح کرد.

نظر به اینکه زمان کوتاهی از تصویب قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و تشکیل شورای عالی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌گذرد در آینده و با سامان‌دهی این نظام آموزشی قطعاً امکان تهیه گزارش‌های کامل‌تری به وجود خواهد آمد. این گزارش می‌تواند مطلع بررسی‌های جامع‌تر و دقیق‌تر باشد.

۱. توصیف سیستم حکمرانی

توصیف سیستم حکمرانی باید با توجه به نقش بخش خصوصی، نحوه تأمین منابع مالی، نحوه مدیریت دستگاه‌های اجرایی، چگونگی ارتباط نهادهای دولتی ارائه‌کننده آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با یکدیگر، نحوه احراز (تضمین) کیفیت مؤلفه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اعم از مربی، متربی، فضاهای آموزشی، تجهیزات، محصولات و... انجام شود.

۲. ترسیم مدل حکمرانی از وضع موجود، وضع مطلوب، روند اصلاح (که باید واجد شاخص، نظام اندازه‌گیری و محورهای اصلی باشد)، تعیین نقشه راه و نقش هر کدام از نهادها و چگونگی ارتباط این نهادها با یکدیگر

نقشه راه حکمرانی برخی کشورها به علاوه اصلاحاتی که در این مسیر داشته‌اند می‌تواند کمک مناسبی باشد. همان‌گونه که در بخش‌های قبلی توضیح داده شد در نقشه راه حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای سه موضوع اصلی (مدیریت سیستم، تضمین کیفیت و تأمین منابع مالی) و موضوعات فرعی مانند نهادهای اصلی و زیرمجموعه مدیریت، بنگاه‌های اقتصادی، اتاق‌ها، ارائه‌کنندگان آموزش و استفاده‌کنندگان از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به برخی تجربیات از سایر کشورها، باید مورد توجه قرار گیرد. نحوه ارتباط هر کدام از نهادهای ارائه‌کننده آموزش با یکدیگر باید کاملاً روشن و شفاف مشخص شود.

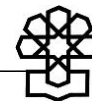
۳. تعیین نقطه مطلوب با توجه به قوانین و فرهنگ و نظام معیار اسلامی

ارزشمندی کار، توانایی کسب درآمد حلال، اخلاق حرفه‌ای با توجه به معیارهای دینی، رشد اقتصادی مطلوب با توجه به اسناد بالادستی، نقش مهارت در دستیابی به سبک زندگی اسلامی باید به درستی در تعیین نقطه مطلوب مورد توجه قرار گیرد. برخی از این مؤلفه‌ها در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به درستی مورد توجه قرار گرفته است.

۴. ایجاد یک سیستم تعیین موقعیت نظام حکمرانی در شورای عالی فنی و حرفه‌ای برای

ارزیابی و پایش مستمر سیاست‌ها

یک سیستم ارزشیابی و پایش مستمر در نهاد اصلی اجرای حکمرانی باید ایجاد شود که برای شروع کار نیازمند تعیین دقیق موقعیت نظام حکمرانی است. این نهاد می‌تواند با استعلام نظرات کنشگران و کارشناسان مربوطه پایش و ارزشیابی را انجام دهد.



۵. طراحی مدل تغییر و مدل اجرای تغییر در حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

برای اصلاحات و تغییر نسبت به شرایط اولیه حکمرانی نیاز است تا مدل تغییرات (به‌عنوان مثال تغییر در دروندادها یا بروندادها و یا تغییر در نحوه عملکرد تفکیکی یا تجمیعی کنشگران) و مدل اجرای آن (از طریق شورا، دستگاه‌های اصلی ارائه‌کننده) مشخص شود. نحوه انجام اصلاحات ضروری نسبت به قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی نیز باید در شورا مطرح و نسبت به آن نظرخواهی شود.

۶. تعیین نقش بخش خصوصی در تأمین منابع مالی، تربیت نیروی انسانی، تعیین استانداردها، سنجش، ارائه آموزش و...

هم‌اکنون بخش خصوصی شامل اتاق‌های بازرگانی، اصناف و صنایع در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارتباط روشنی با بخش دولتی ندارند. عرضه آموزش بدون استعلام از نیازهای آنان انجام می‌شود. در این صورت ارائه‌کننده آموزش از منظر خویش وظیفه‌اش را به‌خوبی ایفا می‌کند در حالی که برونداد این سیستم برای ورود به بازار تربیت نشده است. ازسوی دیگر تعیین‌کننده استانداردهای آموزش در حقیقت باید بخش خصوصی باشد و این در حالی است که ارتباطی میان این دو برقرار نشده است؛ لذا لازم است این موارد به‌روشنی در اصلاحات مورد توجه قرار گیرد.

۷. تعیین نقش درونداد و برونداد و تفکیک و تلفیق در ساختار حکمرانی

درونداد سیستم حکمرانی قوانین و مقررات است که باید نحوه اعمال و نظارت آن مشخص شود. به‌صورت نمونه می‌توانیم به قانون الزام به فراگیری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یا قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای یا قوانین برنامه‌های توسعه اشاره کنیم. لازم است با بررسی قوانین گذشته و علت عدم اجرای آن به راهکارهایی برای اعمال قانون در شرایط فعلی دست پیدا کنیم. در قانون برنامه چهارم تشکیل نهاد سیاستگذار و در قانون برنامه پنجم هماهنگی در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پیش‌بینی شد، اما متأسفانه اجرا نشد، قانون الزام به فراگیری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای محقق نگردید؛ لذا باید در نحوه نظارت بر اجرای قانون بازنگری شود تا اطمینان نسبت به اجرای قانون اخیر به‌عنوان آخرین مصوبه مجلس شورای اسلامی در این زمینه ایجاد شود. ازسوی دیگر در حال حاضر ساختار ارتباط کنشگران آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور ما کاملاً تفکیکی است، اما همان‌گونه که در بخش‌های دیگر ذکر شد ماهیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ماهیتی تلفیقی و تجمیعی است؛ لذا باید راهکارهای خروج از این شرایط و دستیابی به نظرات جمعی بررسی و تعیین شود.

همچنین بروندادهای نظام آموزش فنی و حرفه‌ای باید به‌دقت مورد رصد و ارزیابی قرار گیرد. آیا هنرجویان و یا دانشجویان دانشگاه‌های مهارتی ما استانداردهای لازم را برای کار در محیط واقعی دارند؟

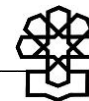
آیا فضاهای آموزشی، تجهیزات و... واجد استانداردهای لازم هستند؟ آیا هزینه فایده سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای کشور منطقی است؟ آیا میان عرضه و تقاضای مهارت در بازار کار تعادل برقرار است؟

۸. الزام دستگاه‌های ذی‌ربط به تهیه نظام جامع اطلاعات بازار کار

جمع‌آوری اطلاعات بازار کار علاوه بر همکاری بخش‌های زیادی از جامعه نیاز به تعامل و همکاری میان بخش‌های گوناگون دولت دارد. مرکز آمار باید به‌عنوان متولی اصلی با استفاده از شاخص‌های بین‌المللی ایسکو (نظام طبقه‌بندی مشاغل) و نظام طبقه‌بندی آموزش (ایسکد) متولی ارائه آمار دقیق باشد. اگرچه مرکز آمار هم‌اکنون نیز بر آن است که بر همین مبنا آمار اشتغال را ارائه می‌کند.

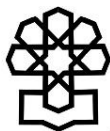
از سوی دیگر سایر نهادها مانند وزارتخانه‌های ذی‌ربط در آموزش و اشتغال نیز همکاری کامل بنمایند. بخش خصوصی در ارائه نیازهای مهارتی خود و شاغلین با اطمینان از مثبت بودن این فرایند اطلاعات شغلی خود را در اختیار نهادهای دولتی بگذارند تا بتوان به یک نظام جامع آمار بازار کار دست یافت، همانند بسیاری از کشورها که علاوه بر موجود بودن این آمار و در دسترس بودن آن به‌طور مرتب به‌روز می‌شوند. اطلاعات صحیح مبنای تصمیم‌گیری درست برای آینده اشتغال، مهارت و بازار کار است.

با بررسی و انجام موارد فوق می‌توان به یک نقشه راه مناسب در اعمال حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دست یافت و اطمینان حاصل کرد که یک فرایند منتهی به نقطه مطلوب پیش روی این نظام آموزشی است.



منابع و مأخذ

۱. قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی (مصوب اذرماه ۱۳۹۶).
۲. سیاست‌های کلی اشتغال.
۳. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.
۴. سیاست‌های کلی جمعیت.
۵. سیاست‌های کلی تحول در آموزش و پرورش.
۶. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
۷. قانون اهداف و وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۸. قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش.
۹. مدیریت نظام‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای، راهنمای مسئولان و مدیران ارشد، ولادیمیر گاسکف، مترجم عبدالحسین نفیسی، از نشریات سازمان جهانی کار، ژنو ۲۰۰۰ میلادی، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴.
۱۰. حکمرانی خوب در ادبیات مدیریت، حجة‌اله قلی‌پور، دفتر اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۶۸۱۶، آذرماه ۱۳۸۲.
۱۱. نظام ملی تنظیم‌گری، سید محمدصادق امامیان، امیراحمد ذوالفقاری، احسان محمدزاده، مرتضی زمانیان، دفتر مطالعات مالیه عمومی و توسعه مدیریت، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۵۹۴۰، مردادماه ۱۳۹۷.
۱۲. مروری بر مفهوم حکمرانی شبکه‌ای، ابراهیم غلامپور آهنگر، دفتر مطالعات بنیادین حکومتی، مرکز پژوهش مجلس، ۱۴۹۳۰، مردادماه ۱۳۹۵.
۱۳. گزارش الزامات تشکیل نظام آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای، محبوبه محمدعلی، مهدی اسمعیلی، عبدالحسین نفیسی، دفتر اجتماعی، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵.
۱۴. آزاد، ابراهیم. چارچوب صلاحیت حرفه‌ای ملی و نقش آن در ارزشیابی یادگیری، ویژه‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای، ارزشیابی مبتنی بر شایستگی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پاییز ۱۳۹۶.
۱۵. آزاد، ابراهیم. استاندارد صلاحیت حرفه‌ای و بازار کسب‌وکار، مقاله ارائه شده در چهارمین کنگره ملی آموزش عالی و مهارت ۲۴ و ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۶، دانشگاه جامع علمی - کاربردی.
16. European Training Foundation, Good Multilevel Governance For Vocational Education And Training, 2013
17. Types of Governance in VET, Federal Institute for Vocational Education and Training (BIBB)
18. Tehran , february 2019 (peresentation)
19. Moultilevel Governance For Vocational Education and Training
20. Towards an OECD Skills Strategy -2011
21. Aliakbar Abbassirostami – Ramin Agriculture and natural Resources University
22. International Hand book
23. Mapping Vocational Education and Training governance in Jordan –Tom Leney – ETF- 2014
24. Mapping Vocational Education and Training governance in Lebanon – Tom Leney – ETF- 2014
25. Rediscovering Apprenticeship, Technical And Vocational Education And Training Series, Felix Rauner, Erica Smith Editors



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۷۵۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بایسته‌های حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران

نام دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ (گروه آموزش و پرورش و فنی و حرفه‌ای)

تهیه و تدوین: محبوبه محمدعلی

ناظران علمی: موسی بیات، صادق ستاری فرد

همکاران: مهدی اسماعیلی، ابراهیم آزاد

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی

۲. حکمرانی

۳. بایسته‌های حکمرانی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۹/۱۹